



تبیین و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با سوانح طبیعی

امیر بسطامی نیا^۱، محمد رضا رضائی^۲ و محمدحسین سرائی^۳

۱- دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد. ایران (نویسنده مسئول) amir.bastami@31abastami.com

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد. ایران Rezaei58@gmail.com

۳- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد. ایران Msaraei@yazd.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: در حال حاضر، با کاربرد بیش‌تر در علوم اجتماعی، مفهوم تاب‌آوری با قاعده و اصول خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد و توانایی برای بازیابی و زنده ماندن، یکی از اشکال مطلوب آن است. علاوه بر این ارزش‌های گوناگون و گاه متضاد در داخل همه‌ی سیستم‌های اجتماعی وجود دارد. این موضوع که یک پیامد بر دیگری ترجیح داده شود و یا وضعیت موجود حفظ شود، باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین مطالعه حاضر به تبیین و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی در حوزه مدیریت سوانح طبیعی تاکید کرده است.

روش: این تحقیق یک مطالعه مروری است که از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی مختلف استفاده شده و از مجموع ۱۴۵ مقاله و کتب یافته و بررسی شده، مستندات ۹۰ مقاله و کتب مرتبط و معتبر در رابطه با تاب‌آوری اجتماعی استخراج و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: با توجه به مباحث مطرح شده در این تحقیق، سه بعد مهم تاب‌آوری اجتماعی شناسایی شد: ۱. توانایی‌های بازیگران اجتماعی به منظور مقابله و غلبه بر تمامی دشواری‌های بديهی، ۲. ظرفیت و توانایی آنها برای یادگیری از تجارب گذشته و تعدیل آنها به منظور تحت فشار گذاشتن چالش‌های جدید در آینده (ظرفیت‌های انطباقی) و ۳. توانایی آنها در ایجاد نهادهایی که رفاه فردی و نیرومندی اجتماعی پایدار در برابر بحران‌های حال و آینده (ظرفیت‌های دگرگون شونده) را پرورش می‌دهند را مورد ملاحظه قرار داده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تاب‌آوری اجتماعی به جای یک وضعیت معین یا ویژگی‌های یک نهاد و موجودیت اجتماعی، به عنوان یک فرآیند پویا درک می‌شود که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، استراتژی‌ها و برنامه‌های مختلفی برای مقابله با فاجعه دارد. در تاب‌آوری اجتماعی افراد در زمان و مکان زیست محیطی، محیط اجتماعی و نهادی خاص خود مطالعه می‌شوند. به این ترتیب، این یک مفهوم عقلانی است تا یک مفهوم ذاتی. یادگیری اجتماعی، تصمیم‌گیری مشارکتی و فرآیندهای تحول جمعی به عنوان جنبه‌های اصلی و محوری تاب‌آوری اجتماعی شناخته می‌شوند. تاب‌آوری اجتماعی نه تنها یک مفهوم پویا و رابطه‌ای است بلکه یک نوع درک عمیق سیاسی است.

کلیدواژه‌ها: تبیین، تحلیل، تاب‌آوری اجتماعی، مقابله، سوانح طبیعی

◀ **استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰):** بسطامی نیا، امیر؛ رضائی، محمدرضا؛ سرائی، محمدحسین (پاییز، ۱۳۹۷). تبیین و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با سوانح طبیعی. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*. ۸ (۳)، ۲۰۹-۲۲۴.

The explanation and analysis of social resilience in coping with natural disasters

Amir Bastaminia¹, Mohammad Reza Rezaei², Mohammad Hossein Saraei³

1- (Corresponding author) PhD in Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Department of Geography, Yazd University, Yazd, Iran. Abastami31@gmail.com

2- Associate Professor of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Department of Geography, Yazd University, Yazd, Iran. Rezaei58@gmail.com

3- Associate Professor of Geography and Urban Planning, Faculty of Humanities, Department of Geography, Yazd University, Yazd, Iran. msaraei@yazd.ac.ir

Abstract

Background and objective: Nowadays, resilience concept, which often refer to social science, applies certain principals, the ability to recover and survive is one of its ideal forms. Furthermore, there are various and sometimes opposite values within all social systems. The fact that an issue is prioritize than the other or keeping current situation is prior to any other ones should be considere. Therefore, this study emphasised on explanation and analysis the social resilience in the field of natural disasters management.

Method: This research is a revisional study by using various library and internet resources; totally, from a total of 145 papers and books, 90 valid ones and related ones about social resilience were considered and analyzed.

Findings: According to the discussed issues in this study, three important aspects of social resilience were identified as follow: 1. the ability of social performers to cope with and overcome all the obvious difficulties; 2. their capabilities to learn from past experiences and to modify them in order to overcome new challanges in the future (adaptive capacities) , and; (3) their ability to create institutions to foster individual welfare and sustainable powerful society against current and and future crises (transformational capacities).

Conclusion: The results show that social resilience is perceived as a dynamic process rather than a certain status or the characteristics of an entity and social being, which at different times and locations have different strategies and plans to deal with disaster. A study of social resilience emphasizes the enclusion of social performers in their own environment and society. Thus, this is a rational concept rather than an intrinsic concept. Social learning, participatory decision making and collective transformation processes are recognized as the main aspects of social resilience. Social resilience is not only a dynamic concept but a kind of deep political understanding.

Keywords: Explanation, Analysis, Social Resilience, Coping, Natural Disasters

► **Citation (APA 6th ed.):** Bastaminia A, Rezaei M, Saraei M. (2018, Fall). The explanation and analysis of social resilience in coping with natural disasters. *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 8(3), 209-224.

مقدمه

رویکرد در سلسله مراتب برنامه‌ریزی مدیریت بحران از جمله مقیاس محلی و شهری به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است (کوفی و لی^۹، ۲۰۱۶: ص ۲۷). مفهوم تاب‌آوری هنوز مبهم و توافق کلی بر روی آن وجود ندارد و در رشته‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد. همچنین توافق زیادی بر روی فرآیندها و عوامل تاب‌آوری که در اندازه‌گیری آن استفاده شود، وجود ندارد؛ تاب‌آوری باید بعنوان یک هدف کلیدی و یک امر خطیر علمی برای آینده در نظر گرفته شود. بطور واضحی این هدف در مطالعات اجتماعی و اقتصادی بطور خاصی مهم می‌باشد، بویژه در این دوره که شاهد بحران‌های مالی جهانی و خسارات عظیم اقتصادی و اجتماعی سوانح می‌باشیم. بعلاوه، بر اساس نظر ارادین و تاسان کوک^{۱۰} (۲۰۱۲)، تاب‌آوری ممکن است بعنوان اساسی برای الگوی برنامه‌ریزی جدید در نظر گرفته شود. بر این اساس مطالعات تاب‌آوری مأموریت اصلی خود را برگشت‌پذیری در سریع‌ترین زمان ممکن و با حداقل آشفتگی و حفظ شایستگی می‌داند. نکته جالب توجه این است که تاب‌آوری قبل، در حین و بعد از وقوع بحران‌های اجتماعی موضوعیت دارد. بنابراین طرح مسأله‌ای به نام تقدم و تأخر تاب‌آوری و بحران جایز نیست، چرا که تاب‌آوری در برگشت‌پذیری، مداخلات و پیشگیری کارساز است. تاب‌آوری در بحران‌های اجتماعی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و شناخته‌شده‌ترین عاملی که با تاب‌آوری اجتماعی رابطه معکوس دارد آسیب‌پذیری اجتماعی است (دیکسون^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۱۳). آسیب‌پذیری اجتماعی نتیجه عوامل اجتماعی پیش از وقوع فاجعه، کمبود ظرفیت و یا توانایی آمادگی برای واکنش و بازیابی در مقابل فاجعه است (دیکسون و همکاران، ۲۰۱۲: ص ۱۳). آسیب‌پذیری اجتماعی شامل افرادی است که بطور نامتناسب، از وضعیت اجتماعی موجود رنج می‌برند و این وضعیت در رابطه با جنس، سن، نژاد، بیماری‌ها، معلولیت، بی‌سوادی و عدم تسلط بر زبان انگلیسی و انزوای اجتماعی مطرح می‌شود (ترومن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۱). گروه‌های آسیب‌پذیر به مرور زمان با افزایش انزوای اجتماعی، و کاهش تعامل اجتماعی، ارتباط با سازمان‌ها و مشارکت اجتماعی مواجه می‌شوند (پانتل^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۳). انزوای اجتماعی

یکی از معضلاتی که همواره و در طی قرون متمادی زندگی جوامع انسانی را مورد تهدید قرار داده، وقوع بلایا و سوانحی است که در صورت ناآگاهی و نداشتن آمادگی، صدمات جبران‌ناپذیری به ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها اعم از حوزه‌های سکونت، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، روانشناختی و ... وارد می‌کند (بیلز و کوپوس^۱، ۲۰۰۷، بشر^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). تا دهه‌ی ۱۹۸۰، رویکرد کاهش میزان آسیب‌پذیری و مقابله با بحران بر متون نظری مدیریت بحران حاکم بود. از دهه‌ی ۱۹۸۰ و به خصوص ۱۹۹۰، محققان علوم اجتماعی به نقد رویکرد علوم طبیعی در مدیریت بحران پرداختند و معتقد بودند که آسیب‌پذیری یک خصوصیت اجتماعی نیز دارد و به خسارت جمعیتی و فیزیکی محدود نمی‌شود (پلینگ^۳، ۲۰۰۳: ص ۳۳). از آن پس به تدریج تلاش‌هایی جهت تغییر در الگوواره غالب مدیریت بحران صورت گرفته است. از این‌رو، امروزه در سطح جهان، تغییرات چشمگیری در نگرش به سوانح دیده می‌شود؛ به طوری که دیدگاه غالب از تمرکز صرف بر کاهش آسیب‌پذیری به افزایش تاب‌آوری در مقابل سوانح تغییر پیدا کرده است (گیلپین و مورفی^۴، ۲۰۰۸: ص ۶). در این الگوواره جدید، تغییر نگاه از واکنش‌پذیری و تک‌عاملی (دولت محور) به سمت بازدارندگی و مشارکت است. این الگوواره رویکرد چند رشته‌ای دارد و برنامه‌ریزی با جامعه را به برنامه‌ریزی برای جامعه ترجیح می‌دهد (ترنر^۵، ۲۰۱۰). مفهوم تاب‌آوری، برای اولین بار توسط هالینگ^۶ (۱۹۷۳)، بعنوان یک چارچوب برای تحقیقات اکولوژی بکار رفته است و اولین بار توسط تیمرمن^۷ (۱۹۸۱) در حوزه سوانح طبیعی استفاده شد و در دهه‌های اخیر در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بکار رفته است. به تدریج این مفهوم، در هر دو بعد نظری و عملی کاهش خطرهای سوانح، جایگاه بالاتری یافت و در ابعاد مختلف جامعه‌ی تاب‌آور، معیشت تاب‌آور، زیست بوم تاب‌آور و ... مطرح شد (بکر^۸، ۲۰۱۴). با گذشت زمان، در بسیاری از کشورهای جهان، این

1. Biles and Cobos
2. Basher
3. pelling
4. Gilpin and Murphy
5. Turner
6. Holling
7. Timmerman
8. Becker

9. Coaffee and Lee
10. Eraydin and Tasan-Kok
11. Dickson
12. Truman
13. Pantell

در زندگی روزانه یا پس از فاجعه با افزایش مرگ‌ومیر ارتباط مستقیم دارد (کلیننبرگ^۱، ۲۰۱۵). لذا در هر مکان اجتماعی برای مواجه شدن با تغییرات و تهدیدات باید تمهیداتی لحاظ گردد که بتواند به نحو بهینه مواجهه و مقابله کند؛ که امداد و حمایت‌های اجتماعی به هنگام و هماهنگ، فراگیر و جامع در حد بهینه اعمال گردد (فیلیپس^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین، مشارکت‌های مدنی و حمایت‌های اجتماعی نیز در همه حال بر تاب‌آوری فردی و سلامت اجتماعی تاثیرات عمیق می‌گذارند، چرا که باور افراد (به ویژه آسیب‌دیدگان، مددجویان و توان‌خواهان) نسبت به خود در حمایت‌های اجتماعی پرورده می‌شود. حمایت‌های اجتماعی می‌تواند با تقویت جریان رشد و کاهش اثر صدمات، تاثیر انتخاب‌های نادرست، اتفاقات تلخ و بلایای طبیعی را کاهش دهد و از این طریق به توسعه تاب‌آوری اجتماعی کمک کند (والش^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). از این‌رو، بسیاری از اختلالات رفتاری روانی، آسیب‌ها و گرفتاری‌های اجتماعی از طریق ارتباطات حمایتی و راه‌حل‌های مشارکتی بهبود می‌یابند. توانمندسازی بر مبنای اندک توانایی به جا مانده از سانحه نیز از دیگر شگفتی‌های تاب‌آوری بر اساس حمایت‌های اجتماعی است، که البته حداقل دو ویژگی دیگر شامل ویژگی‌های فردی و عوامل خانوادگی را نیز باید در آن لحاظ کرد (آلدريج^۴، ۲۰۱۲). همه تعاریف تاب‌آوری اجتماعی به نوعی به موضوع نهادهای اجتماعی، افراد، سازمان‌ها یا جوامع و توانایی آنها یا ظرفیت تحمل، جذب، مقابله و تنظیم محیط زیست و تهدیدات اجتماعی در مقابل انواع تهدیدات پرداخته‌اند (کک و ساکداپلرک، ۲۰۱۳). در مقایسه با عقاید کلی در زمینه تاب‌آوری، تاب‌آوری اجتماعی عمیقاً از علوم اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و سوالاتی همچون عامل انسانی، آداب و رسوم اجتماعی، روابط قدرت‌ها، سازمان‌ها، و مباحث و ابعادی که در سطح وسیعی در مطالعات اکولوژیکی نادیده گرفته شده است، را مطرح می‌کند (کک و ساکداپلرک، ۲۰۱۳). هدف اصلی تاب‌آوری اجتماعی ارتقاء ظرفیت و مهارت افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در مواجهه با اختلالات است (آبریست و همکاران، ۲۰۱۰). بر این اساس، تاب‌آوری اجتماعی را می‌توان ظرفیت تبدیل و تحول، تطبیق و سازگاری و توان مقابله با تنش و بحران‌های اجتماعی نامید (هال و لامنت،

۲۰۱۳: ص ۲۴). تاب‌آوری اجتماعی از ظرفیت و توانایی خاصی در افراد و گروه‌ها، خانواده و جوامع صحبت می‌کند که عمدتاً یادگیری و سازگاری در تغییرات تحمیل شده، و همچنین قدرت تطبیق با شرایط و متقاضیات را در بر خواهد داشت؛ این به ساده‌ترین تعریف از تاب‌آوری اجتماعی است. احیای روابط عاطفی، توسعه سازگاری، قدرت مبتنی بر انعطاف، سرمایه و سازندگی اجتماعی را تقویت می‌کند و همزمان موجب و دستاورد تاب‌آوری است (بونو، ۲۰۱۰). در یک جمع بندی می‌توان تاب‌آوری اجتماعی را بر اساس سه ویژگی مهم تعریف کرد (بسطامی نیا و همکاران، ۲۰۱۶): تحمل پذیری در مواجهه با مخاطرات ناگهانی، مطابقت پذیری با تغییرات (تعدیل و واکنش به تغییرات محیطی)، برگشتن به تعادل مناسب (قبلی و یا جدید) یا توانایی برگشت به حالت نرمال در یک زمان مشخص پس از فاجعه، به طوری که سیستم کارکرد قبلی خود را به صورت مستمر حفظ نموده باشد. آنچه مسلم است برگشت به حالت نرمال در سیستم‌های تاب‌آور (بسته به شرایط محیطی، ظرفیت‌ها و درجه انعطاف پذیری) باید سریع و در زمان کمتری صورت گیرد.

بر این اساس و با توجه به سطح وسیع خسارات و تلفات ناشی از سوانح طبیعی در شهرهای گوناگون جهان از جمله کشور ما سبب شده است، تا پژوهش‌های کاربردی گسترده‌ای در زمینه بهینه کردن ایمن‌سازی شهرها انجام گیرد. از سوی دیگر، پژوهش‌های انجام شده در زمینه مقابله با سوانح طبیعی و ایمن‌سازی شهرها، افزایش کارایی روش‌های مقابله با سوانح طبیعی و ایمن‌سازی شهری را ضرورت بخشیده است. بنابراین، آشکار است که پژوهش‌های کاربردی در امور مربوط به ایمن‌سازی شهرها در برابر سوانح طبیعی سبب افزایش ابتکارات در طراحی‌ها و یافتن بهترین سیاست‌ها خواهد شد. از این‌رو، برای دستیابی به این هدف، گنجانیدن برنامه‌های افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری شهروندان و جامعه که در معرض مخاطرات و سوانح طبیعی هستند در طرح‌های توسعه شهری ضرورت دارد. در حال حاضر افراد بسیاری به بررسی تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با سوانح طبیعی پرداخته‌اند که از مهمترین مطالعات خارجی می‌توان از مطالعه گالوپین^۵ (۲۰۰۶)، تحت عنوان "ارتباط بین آسیب‌پذیری،

1. Klinenberg
2. Phillips
3. Walsh
4. Aldrich

5. Gallopín

جامعه، سرمایه اجتماعی و ابعاد اجتماعی جامعه است، نام برد. و از مطالعات داخلی می‌توان از مطالعه قدیری (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود تحت عنوان «رابطه ساخت اجتماعی شهرها و میزان آسیب‌پذیری در برابر زلزله: محلات کلانشهر تهران» به بررسی تغییرات اجتماعی - فضایی میزان آسیب‌پذیری کلانشهر تهران در برابر زلزله پرداخته است. که بر این اساس و در جهت تبیین تئوریک آن به سه دیدگاه فیزیکی، ساخت اجتماعی و ترکیبی اشاره شده است. در کل رساله با محوریت دیدگاه ساخت اجتماعی تبیین شده است. رفیعیان و همکاران (۱۳۸۹)، تحقیقی با عنوان «تبیین مفهومی تاب‌آوری و شاخص‌سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع (CBDM)» انجام دادند. آنها جهت پاسخ به این سوال که کدام تعریف، رویکرد نظری و نظام شاخص‌سازی برای تحلیل و ارتقای جوامع تاب‌آور در برابر مخاطرات طبیعی مناسب‌تر است، از روش توصیفی - تحلیلی و از ابزار کتابخانه‌ای استفاده نمودند. رمضان زاده لبسویی (۱۳۹۲)، در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین ساختارهای اجتماعی - اقتصادی تاب‌آوری جوامع محلی در برابر بلایای طبیعی با تأکید بر سیلاب» مطالعه موردی: حوضه‌های گردشگری چشمه کيله تنکابن و سردآبرود کلاردشت به بررسی پیشینه‌ی مطالعاتی میزان ارتقا تاب‌آوری ساکنین در برابر بلایای طبیعی، تحت تاثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، محیطی و مدیریتی می‌پردازد. سلمانی و همکاران (۱۳۹۴)، مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی رویکرد تاب‌آوری جامعه در برابر مخاطرات طبیعی: شهرستان دماوند» انجام داده است. تاب‌آوری میزان مقاومت سیستم‌ها، توانایی آنها در تحمل تغییر و اختلال و تداوم روابط موجود بین افراد یا متغیرهاست. این تحقیق با در نظر گرفتن چنین تعریفی برای تاب‌آوری به ارزیابی رویکرد تاب‌آوری شهرستان دماوند در برابر مخاطرات طبیعی پرداخته است. نوجوان و همکاران (۱۳۹۵)، تحقیقی با عنوان «تحلیل رویکرد نظری مدیریت سوانح طبیعی در ایران با استفاده از مفهوم فراتحلیل» انجام داده‌اند. هدف از این تحقیق، فراتحلیل مقالات منتشر شده در مجلات علمی پژوهشی و فارسی زبان می‌باشد، نام برد که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت تبیین و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی در کاهش خطرات بلایای طبیعی می‌باشد. لذا با توجه به مباحث مطرح شده تبیین و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی که بیشترین

تاب‌آوری و ظرفیت انطباقی» با استفاده از چشم انداز سیستماتیک به شناسایی و تجزیه و تحلیل روابط مفهومی میان آسیب‌پذیری، تاب‌آوری و ظرفیت انطباق در سیستم‌های اجتماعی پرداخته است. ماینگا^۱ (۲۰۰۷)، در مطالعه‌ای در ارتباط با تاب‌آوری شاخص‌هایی را تدوین و بررسی نموده، که شامل: سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها)، سرمایه اقتصادی (درآمد، پس اندازها، سرمایه گذاری‌ها)، سرمایه انسانی (تحصیلات، سلامت، مهارت، دانش / اطلاعات) می‌باشد. همچنین هنسترا (۲۰۰۴) شاخص‌هایی چون نگرش‌های فرهنگی، رویکردهای جامع مخاطرات‌نگر، رویکرد جامع آسیب‌پذیرنگر، پایداری و استحکام، انعطاف‌پذیری، ارتقای ظرفیت بازسازی و گسترش ظرفیت تطبیقی مطرح کرده است. آینودین و رویتری^۲ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای با استفاده از پرسشنامه تدوین شده و مبتنی بر بررسی متون و مصاحبه با مسئولین در پاکستان، چارچوبی جهت سنجش تاب‌آوری در سطح جامعه کوچک‌تر (در مقابل کشور) ارائه داد، که جنبه‌های مهم آن اثرات اجتماعی، آسیب‌پذیری، ادراک خطر و تاب‌آوری بود. آنا ویکستروم^۳ (۲۰۱۳)، به مطالعه‌ای با عنوان «چالش تغییرات: برنامه ریزی برای تاب‌آوری اجتماعی شهر» پرداخته است. هدف از این پژوهش تجزیه و تحلیل اهداف برنامه ریزی معاصر و شیوه‌های انطباق و تاب‌آوری تغییرات اجتماعی شهرها است. چگونه و تا چه اندازه جنبه‌های تغییر اجتماعی در اهداف و شیوه‌های برنامه‌ریزی تاب‌آوری شهری معاصر گنجانده شده است؟ برای پر کردن شکاف بین برنامه‌ریزی تاب‌آوری شهری و تغییرات زیست محیطی و اجتماعی چه ابزاری مورد نیاز است؟ سوالاتی هستند که در این مطالعه مطرح شده‌اند. برش و همکاران^۴ (۲۰۱۳)، به مطالعه‌ی تحت عنوان «مدیریت مناطق ساحلی در برابر خطرات زلزله و سونامی: پیامدهای اجتماعی و اقتصادی» پرداخته‌اند. فرانکن برگر^۵ و همکاران (۲۰۱۳)، مدلی را تحت عنوان «چارچوب مفهومی برای تاب‌آوری جامعه» ارائه می‌دهد. مدل پیشنهادی شامل زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، شوک، تنش، معیشت و دارایی

1. Mayunga
2. Ainuddin and Routray
3. Wikström
4. Berish
5. Frankenberger

ارتباط را با مردم و شهروندان دارد، ضروری بنظر می‌رسد.

روش

این مطالعه مروری است که با هدف تبیین و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با سوانح طبیعی طراحی و اجرا شد. در مرحله اول با استفاده از کلید واژه‌های: «مفهوم تاب‌آوری اجتماعی، رویکرد تاب‌آوری اجتماعی، تعریف تاب‌آوری اجتماعی، عوامل تاب‌آوری اجتماعی، تاب‌آوری، تاب‌آوری اجتماعی، ارتباط تاب‌آوری اجتماعی با دیگر ابعاد تاب‌آوری، اهداف تاب‌آوری اجتماعی، سوانح طبیعی، مدیریت سوانح و مدیریت بحران» راهبرد جستجو طراحی گردید و با کمک این راهبرد بانک‌های اطلاعاتی magiran، noormags، سامانه دانش گستر برکت (Iranmedex) و Civilica و پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی (SID) مورد جست و جو قرار گرفتند. به این ترتیب تلاش شد تمام مقالات داخلی مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری گردد. در مرحله بعد بانک‌های اطلاعاتی ISI Web Of Science Direct، Science، Scopus، PubMed از کلیدواژه‌های: Concept of social resilience, Social resilience approach, Definition of Social Resilience, Social resilience, Social resilience factors, Resilience, Natural disasters, Relation of social resilience with other resilience dimensions, Social resilience goals, Disaster management and Crisis management برای یافتن مقالات انگلیسی زبان مورد جست و جو واقع شدند. همچنین در دو موتور جست و جوی Google Scholar و علم نت جست و جو انجام شد. در انجام این جستجوها هیچ محدودیت زمانی در نظر گرفته نشد. به این ترتیب مقالات، چکیده مقالات و مستندات مرتبط با موضوع پژوهش جمع‌آوری گردید. انتخاب کلید واژه‌ها براساس مرور متون و نظر متخصصین انجام شد. جست و جوی مقالات فارسی و انگلیسی زبان در پایگاه‌های گوناگون در مجموع دستیابی به ۱۴۵ مدرک را در پی داشت. اطلاعات کتاب‌شناختی (عنوان، نام نویسندگان، نام مجله، سال انتشار، دوره و شماره) این مدارک وارد نرم افزار End Note گردید و با استفاده از امکان Find Duplicate موارد تکراری

حذف شد. در این مرحله با حذف موارد تکراری ۱۲۵ مدرک در اختیار ما قرار گرفت. گام بعدی مطالعه دقیق عنوان، چکیده و در بعضی موارد متن کامل مدارک برای تشخیص مدارک واجد شرایط ورود به مطالعه و حذف مدارک غیر مرتبط از پژوهش بود که در نهایت ۹۰ مدرک مرتبط با موضوع مطالعه انتخاب شدند و در نهایت با بررسی و مطالعه دقیق ۹۰ مدرک مرتبط با موضوع این مقاله نگاشته شد.

یافته‌ها

عوامل کلیدی تاب‌آوری اجتماعی

عوامل کلیدی تاب‌آوری اجتماعی عبارتند از: روابط اجتماعی و ساختار شبکه، نهادها و روابط قدرت و دانش و گفت‌وگو که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

الف. روابط اجتماعی و ساختارهای شبکه

از آنجایی که تاب‌آوری اجتماعی ارتباط بسیار نزدیکی با دیدگاه ظرفیت دارد (کانن^۱، ۲۰۰۸)، نویسندگانی همچون مایونگا^۲ (۲۰۰۷) و ابريست و همکاران (۲۰۱۰) بینش‌هایی از آسیب‌پذیری اجتماعی و رویکردهای معیشتی را ترسیم کرده و به اهمیت وقف و اعطا با انواع مختلف دارایی به عنوان تعیین‌کننده اساسی تاب‌آوری اجتماعی اشاره می‌کنند. این مطالعات به انواع گسترده‌ای از دارایی‌ها از جمله سرمایه اقتصادی، سرمایه فیزیکی، سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی و غیره... اشاره می‌کنند. به‌رحال در مقابل این تفکر که دارایی‌ها به طور گسترده‌ای نتیجه تولیدات روابط اجتماعی هستند (ساکداپلرک^۳، ۲۰۱۰)، سرمایه اجتماعی بعنوان ایفا کننده یک نقش کلیدی در ایجاد و حفظ تاب‌آوری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد (پلینگ و های^۴، ۲۰۰۵، ولف^۵، ۲۰۱۰، شفران^۶ و همکاران، ۲۰۱۲).

مطالعاتی که با این موضوع سروکار دارند، می‌توانند به گروه‌هایی که عمدتاً ساختار شبکه‌های اجتماعی را تجزیه و تحلیل کرده و آنهایی که بر معنا و محتوی روابط اجتماعی تمرکز

1. Cannon
2. Mayunga
3. Sakdapolrak
4. Pelling and High
5. Wolf
6. Scheffran

بیان می‌کند که «تاب‌آوری اجتماعی به گونه‌ای نهادی تعیین شده است به این معنا که نهادها در تمامی سیستم‌های اجتماعی نفوذ کرده و نهادها اساساً سیستم اقتصادی را از نظر ساختار و توزیع دارایی‌ها تعیین می‌کند». در این راستا هاتر^۸ (۲۰۱۱) و گارشگان^۹ (۲۰۱۱) سودمندی مطالعات تاب‌آوری اجتماعی را از زاویه دید نظریه سازمانی نونهادی به اثبات رسانده‌اند. از نقطه نظر دیدگاه تجربی، وارگیس^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۶) به اهمیت یک دیدگاه متمایز، از نقشی که دسترسی به سرزمین می‌تواند در تاب‌آوری اجتماعی ایفا نماید اشاره کرده است. لانگریج^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه موردی خود نشان داده‌اند که چگونه مقامات جامعه کالیفرنای شمالی که با کمبود آب سروکار دارند، به طور مستقیم تحت تأثیر در دسترس بودن منابع آب قرار نمی‌گیرند، اما به واسطه «مکانیزم‌های احتمالی که دارای سابقه تاریخی هستند به منظور کسب کنترل و حفظ دسترسی به آب» تلاش می‌کنند. در نتیجه محققان به درستی خواهان تجزیه و تحلیل مجموعه‌ای کامل از مکانیزم‌های دسترسی ساختاری و رابطه‌ای هستند.

موضوع دسترسی، پرسش‌هایی را در رابطه با برابری (انصاف)، عدالت و قدرت در دستور کار قرار داده است. در این راستا، اوپریست و همکاران (۲۰۱۰) به وضوح به اهمیت سرمایه فرهنگی مردم در اشکال جنسیت، خویشاوندی یا قومیت در تعیین دسترسی شان به مراقبت‌های بهداشتی مربوط به بیماری مالاریا را بررسی کرده‌اند. گلاوویچ^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۳) استدلال کرده‌اند که تاب‌آوری در یک سطح از اجتماع لزوماً به معنی بهبود تاب‌آوری در سطوح دیگر نیست. و کانن (۲۰۰۸) هم به این بحث پرداخته است که «جوامع، مکان‌هایی هستند که نابرابری‌های عادی روزمره، استثمار، ظلم و ستم و کینه‌توزی در تاروپود جوامع تنیده شده‌اند». بر این اساس وی استدلال می‌کند که جوامع باید به عنوان مکان‌های نابرابری در برابر آسیب‌پذیری‌های توزیع شده و نابرابری در پتانسیل‌های توزیع شده در برخورد و مواجهه با آنها درک شود. از این منظر، فرآیند ساخت، حفظ و بازتولید تاب‌آوری اجتماعی به عنوان یک

می‌کنند، تقسیم‌بندی شوند (کک^۱، ۲۰۱۲). مطالعات انجام شده توسط ارنستون^۲ و همکاران نمونه‌هایی از اولین گروه مطالعاتی هستند. نویسندگانی همچون بودین^۳ و همکاران (۲۰۰۶) تلاش کرده‌اند تا نسبت بهینه خاص روابط قوی و ضعیف که برای ایجاد تاب‌آوری اجتماعی ضروری است را مورد ارزیابی قرار دهند. مور و وستلی^۴ (۲۰۱۱) استدلال کرده‌اند که نظریه شبکه به توضیح انواع شبکه‌های مورد نیاز برای تاب‌آوری اجتماعی کمک می‌کنند. با این حال آنها اذعان دارند که صرف حضور ساختارهای شبکه، نوآوری را تضمین نمی‌کنند. آنچه که اساساً مورد نیاز است، «کارآفرینان سازمانی» هستند که باعث رخ دادن فرآیندهای نوآورانه می‌شوند. پلینگ وهای (۲۰۰۵)، ترارپ^۵ (۲۰۱۲) کک و همکاران (۲۰۱۲) دومین گروه مطالعات را ارائه می‌دهند که بر محتوای روابط اجتماعی و نقش مهم و حیاتی اعتماد، کنش متقابل و حمایت متقابل تمرکز می‌کنند. پلینگ وهای (۲۰۰۵) مطرح کرده‌اند که تعاملات اجتماعی غیر رسمی بهترین منابع جوامع برای حفظ ظرفیت‌های خود به منظور ایجاد تاب‌آوری اجتماعی و تغییر جهت جمعی هستند. کک و همکاران (۲۰۱۲) این مسئله را به روشنی بیان کرده‌اند که شبکه‌های غیر رسمی نقش مهم و قاطعی در تأمین مواد غذایی در شهرهای کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کنند. در حالی که اکثر نویسندگان سرمایه اجتماعی را یک منبع توانمند برای ایجاد تاب‌آوری در نظر می‌گیرند، بوهل^۶ (۲۰۰۶) توجه خود را ماهیت دوگانه شبکه‌های اجتماعی که گاهی توانمندساز و گاهی محدود کننده و انحصاری هستند، متمرکز کرده است.

ب. نهادها و روابط قدرت

پرسش‌ها در رابطه با دسترسی، همچون دارایی‌ها در کانون تمرکز تحقیقات تاب‌آوری اجتماعی قرار می‌گیرد. در تلاش برای درک دسترسی مردم به منابع، محققان بر اهمیت نهادها و قواعد و هنجارهایی که به واسطه رویکردهای اجتماعی ساختاریندی می‌شوند، تأکید می‌کنند (اتزولد^۷ و همکاران، ۲۰۱۲). برای مثال ادگر (۲۰۰۰)

8. Hutter
9. Garschagen
10. Varghese
11. Langridge
12. Glavovic

1. Keck
2. Ernstson
3. Bodin
4. Moore and Westley
5. Trærup
6. Bohle
7. Etzold

نظر لورنز (۲۰۱۰) درک تاب‌آوری از نهادهای اجتماعی از نقطه نظر نمادها به منظور فهم معنای آنها صورت می‌گیرد. کوهلیک^۶ (۲۰۱۰) از «افسانه تاب‌آوری» به منظور برجسته کردن ساختارهای اجتماعی آن و مکانیزم‌های اساسی مرتبط با آن سخن به میان می‌آورد. در این مطالعه وی در رابطه با مدیریت سیلاب در شهرهای آلمان نشان داده است که تاب‌آوری بعنوان یک تشکل گفتمانی می‌تواند به یک ابزار قدرتمند برای ایجاد و تحکیم روابط جدید قدرت درون شهرداری مبدل شود. اولویگ^۷ (۲۰۱۲) در مطالعات خود در شرق غنا به ساختارهای چند موقعیتی تاب‌آوری محلی به عنوان نتیجه کنش متقابل سازمان‌های جهانی قدرتمند با مردم محلی اشاره می‌کند. به این ترتیب تاب‌آوری به عنوان محصول تصورات و گفتمان‌های محلی و جهانی است. تمامی این مطالعات، اهمیت پرسش توسط چه کسی؟، برای چه هدفی؟ و اینکه چه نتایجی از جهان بینی‌های متفاوت از طریق مفهوم تاب‌آوری انتقال می‌یابند؟ را مورد تأکید قرار می‌دهند. در این راستا «نظریه تاب‌آوری به تصدیق صریح‌تر نقش عامل ذینفع و فرآیندی که از طریق چشم اندازهای مشروع تاب‌آوری تولید می‌شوند نیاز دارد» (لارسن و همکاران، ۲۰۱۱). همان گونه که ارنستون (۲۰۰۸) استدلال می‌کند، آنچه مورد نیاز است یک تمرکز دقیق و شفاف بر تشکیل و باز تولید گفتمان‌های قدرتمند است، یک تمرکز که اندیشمندان علوم اجتماعی را وادار می‌کند تا در مورد دانش و قدرت به عنوان مؤلفه‌های پویا و مرتبط تاروپود جهان اجتماعی‌مان تفکر کنند.

راه‌های پیش‌رو در پژوهش‌های تاب‌آوری اجتماعی

ما دو یافته اصلی از بررسی ادبیات خود که در بالا ارائه شده را ترسیم می‌کنیم: نخست تاب‌آوری اجتماعی در بهترین حالت به عنوان یک مفهوم درحال ساخت درک می‌شود. در حقیقت پرسش‌ها در این رابطه هستند که تاب‌آوری اجتماعی چگونه می‌تواند بدرستی تعریف شود، چگونه می‌تواند عملیاتی، اندازه‌گیری و تحلیل شود و چگونه می‌توان آن را ارتقاء داد. به این ترتیب درحال حاضر بسیار زود است تا در مورد اعتبار و سودمندی مفهوم برای دستورالعمل تحقیقاتی مرتبط با علوم اجتماعی تصمیم نهایی را اتخاذ کنیم. در

فرآیند بسیار متناقض و حتی متضاد پدیدار می‌شود. علاوه بر این، ذکر این نکته اهمیت دارد که «بهینه سازی برای یک شکل از تاب‌آوری می‌تواند اشکال دیگر تاب‌آوری را کاهش دهد» (والکر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶: ص ۱۸). به عبارت دیگر، تاب‌آوری بسیار پرهزینه است و اهمیت دارد تا آن تحت شرایط منابع محدود هر چند در دسترس و گزینه‌هایی برای اقدام به دست بیاید. از این رو مطالعات تاب‌آوری اجتماعی همواره باید پرسش‌هایی در رابطه با اینکه چه کسانی فاتحان و بازندگان فرآیندهای درحال انجام ساخت تاب‌آوری اجتماعی هستند را مدنظر قرار بدهد (بسطامی‌نیا و همکاران، ۲۰۱۶).

ج. دانش و گفتمان‌ها

مطالعات اخیر تاب‌آوری اجتماعی بر نقش دانش و فرهنگ تأکید می‌کنند. مارشال^۲ (۲۰۰۷) مطرح کرده است که «ادراک خطر می‌بایست در زمره مدل‌های مفهومی آتی تاب‌آوری قرار بگیرد». مطالعه آنها نشان‌دهنده آن است که دامداران در استرالیا و ایالات متحده آمریکا چگونه ظرفیت و توانایی خود به منظور مقابله و انطباق با تنوع آب و هوایی را زیاد برآورد کرده و چگونه این سوءبرداشت‌ها آنها را در مقابل حوادث شدیدتر آب و هوایی آسیب‌پذیر می‌کند. به همین ترتیب فوردی^۳ (۲۰۰۷) استدلال کرده است که، راه‌هایی که مردم در آن «با شرایط اضطراری و یک فاجعه دست و پنجه نرم می‌کنند، توسط یک روایت فرهنگی شکل داده می‌شود که مجموعه‌ای از انتظارات و حساس کردن مردم نسبت به برخی مشکلات را بیش از انواع دیگر آن ایجاد می‌کند». به این ترتیب «ادراک خطر، اولویت‌ها، باورها، دانش و تجربه عوامل کلیدی هستند که در سطح فردی و اجتماعی تعیین می‌کنند که آیا انطباق رخ می‌دهد و اگر رخ می‌دهد چگونه است» (شوارز^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). واس^۵ (۲۰۰۸) به گونه‌ای متقاعدکننده نشان داده است که تاب‌آوری اجتماعی موضوع قدرت مردم در تعریف آن چیزی است که به عنوان تهدید یا فاجعه درک می‌شود یا درک نمی‌شود. در حالیکه گفتمان‌های قدرتمندتر همواره مسلط هستند، پس صداهای زیردست به ندرت شنیده می‌شوند. از

1. Walker
2. Marshall
3. Furedi
4. Schwarz
5. Voss

6. Kuhlicke

7. Olwig

مطالعات تاب‌آوری اجتماعی در جهت بررسی حوزه‌های اجتماعی مورد تأکید زیادی قرار گرفته است. سیستم‌های زیست‌محیطی عمدتاً در شرایط فشار و تنش که دارای اثری منفی بر واحدهای اجتماعی هستند مورد توجه قرار می‌گیرند. از نظر ما، مفهوم «گستره خطر» که توسط مصطفی^۳ (۲۰۰۵) توسعه یافته است و مفهوم مرتبط «گستره ریسک» که از سوی مولرمان^۴ (۲۰۱۳) مطرح شده است قادر به بررسی موضوع ارتباط اجتماعی - زیست‌محیطی و به حداقل رساندن ریسک‌هایی هستند که با مخاطرات به عنوان رویدادها و حوادث طبیعی که کاملاً خارج از حوزه اجتماعی نشأت گرفته اند برخورد خواهد شد. مصطفی (۲۰۰۵) که از دیدگاه چشم‌انداز در جغرافیا الهام گرفته است اشاره می‌کند که مفهوم «گستره خطر» در هر دو «ساختارهای طبیعت در موضوعات انسانی» و «طبیعت در مفهوم واقع‌گرایی» را مورد تصدیق قرار می‌دهد. چشم‌انداز به عنوان «نتیجه محقق شدن روابط پیچیده انسان - محیط زیست» درک شده است (ساکداپلرک، ۲۰۱۶). بنابراین این مفهوم بر ویژگی ترکیبی روابط انسان - محیط زیست تأکید کرده و ادعان می‌کند که تجربه مخاطرات «تنها تابع جغرافیای مادی آسیب‌پذیر نیست بلکه تابع آن است که چگونه این جغرافیای مخاطرات، مشاهده شده، ساخته شده و باز تولید می‌شوند» (مصطفی، ۲۰۰۵). علاوه بر این، آنها همچنین به ویژگی کثرت‌گرایی مخاطرات از نظر زمانی، مکانی و اجتماعی توجه می‌کند. دوم اینکه ما استدلال می‌کنیم که یک تجزیه و تحلیل مربوط به تاب‌آوری اجتماعی که «بافت، بازخورد و ارتباط» را تصدیق می‌کند، می‌تواند بر اساس یک درک رابطه‌ای از جامعه که توسط پیر بوردیو^۵ (۱۹۸۷) مطرح شده است، ایجاد شود. نویسندگانی همچون اوبریست و همکاران^۶ (۲۰۱۰) با ترسیم مفاهیم بوردیو از «زمینه»، «وضعیت فیزیکی» و «سرمایه» استدلال می‌کنند که بازیگران و فعالان به نمایش و ارائه خطر پرداخته و تاب‌آوری اجتماعی بسته به موقعیت آن‌ها در بسترها (که توسط سرمایه مشخص می‌شود) و شیوه‌هایشان (که توسط عادت‌هایشان معین می‌شود) متفاوت است. سایمه^۶ (۲۰۱۰) و کانن^۷ (۲۰۰۸) این موضوع را برجسته کرده‌اند که در فرآیندهای ایجاد تاب‌آوری یا

همین زمان - این دومین یافته ماست - سه اصل اساسی تاب‌آوری اجتماعی می‌توانند مورد شناسایی قرار بگیرند. مفهوم تاب‌آوری در یک اصطلاح کلی به صورت گام به گام از تمرکز اولیه آن بر تداوم عملکرد سیستم از طریق تأکید بر انطباق تا جهت‌گیری دوباره اخیر آن به سمت توجه به تحول و دگرگونی جامعه در مواجهه با تغییرات جهانی تکامل یافته است. دیدگاه تاب‌آوری اجتماعی در مطابقت بی‌قاعده با مراحل شناسایی از معنای اولیه خود که به توانایی افراد برای واکنش و بسط شمولیت، توانایی افراد برای مشارکت در فرآیندهای حکمرانی و تبدیل و تغییر ساختارهای اجتماعی توسعه پیدا کرده است. از نظر ما، مفهوم تاب‌آوری اجتماعی در وضعیت فعلی خود بسیاری از نگرانی‌های مطرح شده) با توجه به شفافیت مفهومی را از میان برده است.

اندیشمندان علوم اجتماعی، فعالان اجتماعی سیستم‌ها را در کانون توجه قرار داده و به جای عملکرد بر قابلیت‌ها و رویه‌ها تمرکز می‌کنند. این تغییر جهت لازم و ضروری بوده است از آنجا که موضوعات مهمی از جمله قدرت، سیاست و مشارکت در دستور کار بحث تاب‌آوری قرار داده شده است. از نظر ما، این مسئله بسیاری از نگرانی‌های مطرح شده از سوی کنن و مولرمان (۲۰۱۰) را در توجه به اثرات بالقوه سیاست زدایی اعمال و بکارگیری مفهوم تاب‌آوری برای زمینه‌های اجتماعی و گرایش آن برای تقویت وضع موجود را کاهش می‌دهد. در همین زمان ما آگاه هستیم که مسیر فعلی توسعه مفهوم تاب‌آوری اجتماعی متحمل خطر از دست دادن بینش اهمیت محتوی و متن، بازخوردها و ارتباطات است که مفهوم تاب‌آوری را در وهله اول در دستور کار مطالعات خطرات قرار داده است. بنابراین ما چالش کنونی را برای شیوه‌های توازن و تطبیق دادن بینش‌ها از هر دو چشم‌انداز در نظر می‌گیریم. ما استدلال می‌کنیم که این توازن می‌تواند از طریق یکپارچه‌سازی نظامند سه منظر در تجزیه و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی به دست بیاید. نخست اینکه رویکرد تاب‌آوری آن گونه که نلسون^۱ و همکاران (۲۰۰۷) بیان می‌کنند، حاکی از ارتباط حوزه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است که نمی‌توانند در انزوا و جدا از یکدیگر درک شوند. همان‌گونه که این بررسی نشان داده است ویژگی به هم پیوسته این دو حوزه در

3. Mustafa
4. Müller-Mahn
5. Bourdieu
6. Simmie

1. Cannon and Müller-Mahn
2. Nelson

بهم پیوسته با دیگر عوامل تاب‌آوری اجتماعی است (ادگر، ۲۰۰۰، استاد تقی زاده^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). دسته بندی‌های تاب‌آوری اجتماعی که در تحقیقات مختلف استفاده شدند (یعنی مهارت‌ها، توانایی‌ها، دانش؛ ویژگی‌ها و امکانات رفاهی؛ ارزش‌ها و برداشت‌ها و فرایندهای جامعه) این پیوستگی‌های ذاتی را اذعان و منعکس می‌کنند (بسطامی نیا و همکاران، ۲۰۱۷). این دسته از مهارت‌ها، توانایی‌ها و دانش را می‌توان به عنوان سرمایه انسانی نامید (کیلی^۴، ۲۰۰۷). ویژگی‌ها و امکانات رفاهی به محیط ساخته شده مربوط می‌شود. فرآیندهای جامعه اهمیت ساختارها و روندهای حکومت جامعه را تشخیص می‌دهد. علاوه بر این نوع پیوستگی‌ها، تاب‌آوری اجتماعی و تاب‌آوری محیط طبیعی به عنوان ضرورتی برای ساخت تاب‌آوری اجتماعی جوامع می‌باشد (بسطامی نیا و همکاران، ۲۰۱۶). این پیوستگی‌ها در ادامه به صورت خلاصه شرح داده شده اند.

جدول ۱: ویژگی‌های اولویت بندی شده تاب‌آوری اجتماعی بوسیله ابعاد تاب‌آوری اجتماعی

طبقه بندی تاب‌آوری اجتماعی	ویژگی‌های تاب‌آوری اجتماعی
مهارت‌ها، توانایی‌ها و دانش	توانایی انتقال ریسک به اقدامات عملی (محلی)، دانش، سازگاری - توانایی جذب تغییرات، اثربخشی جمعی - توانایی حل مسائل و مشکلات، مهارت‌های متنوع، پرسنل آموزش دیده کافی، رهبری، انرژی و خردمندی، آگاهی از دارایی‌ها و اعتقادات جامعه، درکی از نیازها برای آمادگی
کیفیت و امکانات رفاهی جامعه	انسجام اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی (منابع)، امکانات جامعه مقاوم، محل تجمع جامعه، شبکه‌های اجتماعی
ارزش‌ها و ادراکات جامعه	افتخار کردن، توافق برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر، شمول و جامعیت (در برگیرنده گروه‌های مختلف)، خودکارآمدی، حس تعلق، اعتقادات مشترک، حمایت اجتماعی، اعتماد
فرآیندهای جامعه	برنامه ریزی - برنامه‌های جامعه، چارچوبی برای همکاری فرآیندها و سیاست‌های تصمیم‌گیری مشارکتی، فرآیند پذیرش دیدگاه‌های مختلف و حل مسائل، ارتباط بین گروه‌ها و سیستم‌های اجتماعی

الف. نظارت

جوامع تاب‌آور باید دارای فرآیندهای تصمیم‌گیری مشترک و فراگیر مناسبی باشند. در بستر مدیریت فاجعه، نظارت بر برنامه‌ریزی‌ها و فرآیندهای حامیان فردی و سازمانی با یک تصمیم‌گیری و عمل

انعطاف‌پذیری‌سازی یا حتی درون جامعه یا خانوار مشابه ممکن است «برندگان» و «بازندگان» وجود داشته باشد. با مفاهیم بوردیو امکان تجزیه و تحلیل زمینه‌های تاب‌آوری اجتماعی برای شناسایی برندگان و بازندگان احتمالی در این حوزه‌ها و برای ارتباط آنها به یکدیگر وجود دارد. چنین دیدگاهی ما را قادر می‌کند تا پرسش دیگری در رابطه با منفعت آتی را مطرح کنیم که: تاب‌آوری به سود و مصلحت چه کسی است؟

سوم اینکه بسیاری از مطالعات مربوط به تاب‌آوری اجتماعی سطح محلی را مورد تأکید قرار داده اند که به نظر می‌رسد سطح مهمی از تحلیل باشد. با این حال چنانچه الویگ (۲۰۱۲) آشکارا بیان کرده است، تاب‌آوری اجتماعی باید به عنوان محصول کنش متقابل بین نیروهای جهانی و محلی درک شود. صرف نظر از محدود موارد استثناء (لاین، ۲۰۱۱)، در حال حاضر روابط سیستماتیک بین تاب‌آوری اجتماعی، مقیاس و مکان وجود ندارد. ما مفهوم «فرامحلی» را چنانچه گرینر و ساکداپولراک^۲ (۲۰۱۳) مشخص کرده مورد توجه قرار می‌دهیم که برای تجزیه و تحلیل تاب‌آوری اجتماعی در زمینه تعاملات میان مقیاسی مناسب می‌باشد. نویسندگان بین «مکان‌هایی» که به محیط فیزیکی جایگاه ارتباطات چهره به چهره شکل می‌گیرد و «مناطق» که برای برقرار کردن کنش‌های متقابل اجتماعی که فراتر از مکان‌ها بسط می‌یابد و توسط تعاملات از راه دور به «فرامحلی» مبدل می‌شوند، تمایز قائل می‌شوند. با مفهوم «فرامحلی» تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند به عنوان نتیجه شمولیت کثرت‌گرایی بازیگران اجتماعی تصور شود که به‌طور فزاینده‌ای تحت شرایط فعلی تداوم جهانی شدن اهمیت می‌یابد.

ارتباط تاب‌آوری اجتماعی با حوزه‌های دیگر تاب‌آوری جامعه
ویژگی‌های تاب‌آوری اجتماعی دارای اولویت (جدول ۱ را ببینید) باعث بوجود آمد چندین بحث شده است. یکی از موضوعات پیرامون همبستگی تاب‌آوری اجتماعی با حوزه‌های دیگر تاب‌آوری جامعه است (برای مثال، تاب‌آوری اقتصادی). یکی از چالش‌ها در تعیین حدود عوامل تاب‌آوری اجتماعی، همبستگی آنها و روابط

3. Ostadtaghizadeh
4. Keeley

1. Lyon
2. Greiner and Sakdapolrak

با بررسی برخی از فجایع گذشته می‌توان عملکردهای مهم مکان‌های تجمع جوامع در مدیریت بحران را نشان داد. پس از فاجعه کاترینا^۹ در نیواورلئان^{۱۰}، یک کلیسای محلی به عنوان ارتباط دهنده برای جامعه عمل کرد و خدمات قومی مانند خدمات مذهبی، آموزش زبان، بازارها و فضاهای ملاقات برای تجمع اجتماعی فراهم کرد (چملی رایت و استور^{۱۱}، ۲۰۰۹). این مجمع‌ها باعث اتحاد مردم و همکاری محله‌ی را تسهیل کرد و موجب پیشرفت اقدامات سیاسی برای حفاظت از جامعه‌شان شد (چملی رایت و استور^{۱۲}، ۲۰۰۹). همچنین در کلیسای مسیح، پس از فاجعه زلزله کانتربری، اهمیت فضاهای عمومی فیزیکی در افزایش تلاش جامعه برای مقابله با فاجعه نمونه‌ای شد تا محل‌های تخریب شده به تأسیسات هنر و مکان‌های تجمع موقتی تبدیل شود و باعث شد تا مردم گرد هم بیایند و ایده‌های بازسازی خلاقانه‌ی خود را امتحان کنند (والنس^{۱۳}، ۲۰۱۵). بنابراین، یکپارچگی اموال مادی موجب پیشرفت بهبود اجتماعی از طریق حفظ و بازسازی بافت اجتماعی جوامع می‌شود.

ج. سرمایه انسانی

دانش، مهارت‌ها و آگاهی‌های مردم - سرمایه انسانی- به عنوان پایه‌ای برای عملکردهای اجتماعی عمل می‌کند (کیلی، ۲۰۰۷). افراد نیازمند یکسری از مجموعه مهارت‌های متنوع، مخصوصاً در محیط پس از فاجعه می‌باشند. از آنجایی که مدیریت سوانح یک زمینه‌ی چند وجهی است که شامل ذینفعان مختلف و سازمان‌های بهم پیوسته می‌باشد، انواع مختلفی از مهارت‌ها برای فعالیت‌های مورد نیاز قبل، پس و در طول فاجعه ضروری می‌باشد (ماینگا، ۲۰۰۷). به دلیل این که بسیاری از متخصصان و داوطلبان ماهر در کار روزانه‌ی خود با مدیریت سوانح سروکار ندارند، توانایی دولت‌ها و جوامع محلی برای دریافت تجارب و تخصص‌ها به منظور ایجاد مکانیزمی برای کمک به فعالیت‌های مدیریت سوانح در افزایش تاب‌آوری جامعه ضروری است (رضائی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۶).

یکی از مهارت‌های اصلی مشارکت رهبران محلی است. وجود

هماهنگ متمرکز است (تیرنی^۱، ۲۰۱۲). بسیاری از تحقیقات در بستر نظارت بر فاجعه و بر فرآیندهای ساختاری تمرکز می‌کنند؛ از جمله، اثربخشی سیاست‌ها در کاهش آسیب پذیری جامعه (فویبر^۲، ۲۰۱۲)، ترویج یکپارچگی و مشارکت بخش‌های متقابل (وگل^۳ و همکاران، ۲۰۰۷) و ایجاد چارچوبی برای فرآیندهای تصمیم‌گیری که شامل تمام اقشار جامعه می‌شود؛ از جمله جمعیت‌های بومی و کسانی که تحت نمایندگی هستند (کینگ^۴، ۲۰۰۸). این فرآیندها قطعاً با حوزه‌های دیگر تاب‌آوری ارتباط دارند و آنها را تقویت می‌کنند؛ خواه شتاب دهنده‌ی رشد اقتصادی و مدیریت پایدار منابع طبیعی باشد یا ترویج دهنده‌ی توسعه‌ی اجتماعی (اهرن^۵، ۲۰۱۱).

اگرچه تحلیل عمیق اداری امور فراتر از حوزه‌ی این تحقیق است، اما باید اذعان کرد که ویژگی‌هایی که بر نظارت موثر تأکید دارند، به برداشت‌های افراد از اعتماد، شمول و اثربخشی رهبران ارتباط دارد (پوردیو^۶، ۲۰۰۱). اگر مردم به دولت اعتماد کنند (پاتون^۷، ۲۰۰۷)، احساس کنند در تصمیم‌گیری‌ها شریک هستند (اولشانسکی، ۲۰۰۶)، یا معتقد باشند که رهبرانشان موثر هستند (پاتون، ۲۰۱۳)، چه در آمادگی برای عواقب بالقوه‌ی فاجعه و چه در تصمیم‌گیری تأثیر قابل توجهی برای جامعه دارد که موجب تسهیل و توسعه‌ی کیفیت پاسخ و بهبودشان می‌شود.

ب. محیط ساخته شده

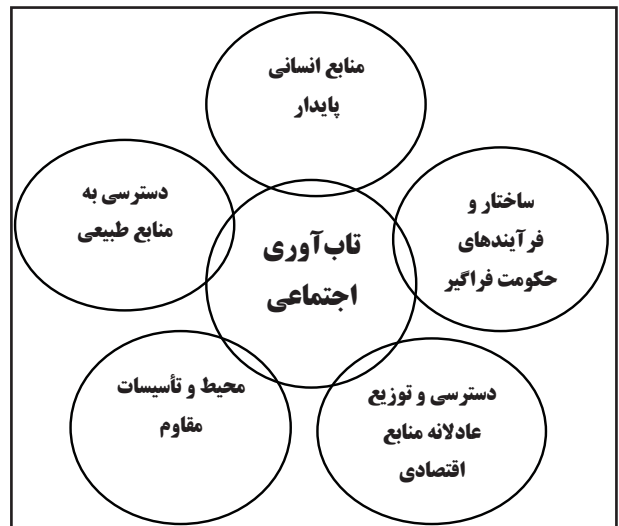
مکان‌های تجمع مردم برای تاب‌آوری اجتماعی ضروری می‌باشد. پناهگاه‌ها و مکان‌های تجمع جامعه مانند مدرسه‌ها، کسب و کارهای محلی، مراکز جامعه و فضاهای عمومی به عنوان یک جزء مهم در ساخت جوامع پیوسته و حمایت از پاسخ و بازیابی از فاجعه می‌باشد. این مکان‌ها فرصت‌هایی را برای توسعه‌ی سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کنند و خدمات زیادی را فراهم می‌کنند که نیازهای خاص یک جامعه را برطرف می‌کند و تمامی اینها به بهبودی جوامع کمک می‌کنند (آلدریچ و مایر^۸، ۲۰۱۵).

1. Tierney
2. Feuer
3. Vogel
4. King
5. Ahern
6. Purdue
7. Paton
8. Aldrich and Meyer

9. Katrina
10. New Orleans
11. Chamlee-Wright and Storr
12. Vallance
13. Rezaei

و ... متفاوت است. بنابراین در تعریف تاب‌آوری، مهم است که تاب‌آوری را بعنوان یک صفت، یک فرآیند و پیامد مشخص کنیم و اغلب وسوسه‌انگیز است که به این رویکرد دوگانه - که آیا تاب‌آوری وجود دارد یا ندارد - توجه نماییم. همچنین باید توجه‌نمائیم که در حوزه‌های مختلف زندگی درجات مختلفی از تاب‌آوری وجود دارد. تعاریف ارائه شده در زمینه تاب‌آوری سوانح شامل یک مسیر پایدار از عملکرد سالم پس از بروز یک بلای طبیعی است، یک تلاش آگاهانه برای حرکت رو به جلو در شیوه‌ای روشن‌گرانه و یکپارچه و یک تجربه بدست آمده از یک شرایط نامطلوب، ظرفیت یک سیستم پویا برای انطباق موفقیت آمیز، اختلالاتی که زنده ماندن یک سیستم و رشد آن را تهدید می‌کند و یک فرآیند برای مهار منابع در زمان وقوع سوانح به منظور حفظ رفاه. از این رو انتخاب بهترین تعریف از مجموع تعاریف‌ها مشکل است. هر کدام از تعاریف‌ها در حوزه و ابعاد خود، دارای ارزش و مشارکت مثبت است. بنابراین، تعاریف یکی از انتخاب‌هایی است که باید منعکس‌کننده روش مورد استفاده باشد (کیم کوهن و تورکوتز، ۲۰۱۲). معمولاً تعریفی از تاب‌آوری که در تمام رشته‌ها قابل قبول باشد و مورد استفاده قرار گیرد، وجود ندارد. تعاریفی که از نظر بهبود توانایی جوامع برای بازیابی پس از سوانح مطرح می‌شود، بطور صریح و ضمنی شامل پنج مفهوم اصلی زیر است: ویژگی: تاب‌آوری یک ویژگی از جامعه است. تداوم: تاب‌آوری یک جامعه بخشی ذاتی و پویا است. انطباق: جامعه می‌تواند خود را با ناملایمات وفق دهد. مسیر: سازگاری منجر به یک پیامد مثبت برای جامعه بویژه عملکردهای آن می‌شود و یک مرحله پس از بحران است. مقایسه: این ویژگی اجازه می‌دهد تا جوامع را از نظر توانایی انطباق با شرایط نامطلوب با همدیگر مقایسه کنیم. سازگاری هسته اصلی این ویژگی است که می‌تواند در پاسخ به یک بحران اتفاق بیفتد. سازگاری باید به بهبود جامعه منجر شود، باید منجر به یک پیامد مثبت برای جامعه در ارتباط با وضعیت‌ها و تجربیات متنوع باشد. این پیامدها می‌تواند با ملاحظه سطوح کارکردی جامعه پس از بحران بهتر کشف شود. برخی از تعاریف در زمینه تاب‌آوری به موضوع انطباق در مقابل مقاومت پرداخته است که منعکس‌کننده کنار آمدن با سختی است. جامعه

رهبران محلی آگاه و با مهارت برای پاسخ و بازیابی موثر ضروری هستند. زیرا دارای مهارت‌ها و ارتباطات لازم با جوامع دیگر، سازمان‌های غیردولتی و سطوح مختلف نمایندگان دولتی هستند که موجب می‌شود تا جوامع به خود سازماندهی، ارزیابی و دریافت اطلاعات و منابع و اولویت بندی فعالیت‌های بازیابی دست یابند (پاتون ۲۰۱۳). علاوه بر این، رهبران محلی می‌توانند به پیشرفت یک محیط فراگیر و شکل‌گیری اعتماد کمک کنند، که پایه و اساس اقدام جمعی است (پاتون و ایرون، ۲۰۱۶). پاتون (۲۰۱۳) پس از زلزله‌ی کانتربری یافت کرد که ظهور رهبران برای بهبود دراز مدت و میان مدت حیاتی است. در ادامه در شکل ۱ به ابعاد حمایت‌کننده و ارتقاء دهنده تاب‌آوری اجتماعی برای مقابله با سوانح طبیعی اشاره شده است.



شکل ۱: ابعاد حمایت‌کننده تاب‌آوری اجتماعی - ارتباط با دیگر ویژگی‌ها، مشخصه‌ها و فرآیندهای جامعه

نتیجه‌گیری

همه مفاهیم تاب‌آوری بر اهمیت ادامه تحقیقات نسبت به ایجاد تعاریف عملیاتی تجربی تاب‌آوری، رسمیت شناختن تاب‌آوری بعنوان یک ساختار پیچیده که در آن افراد، خانواده‌ها، سازمان‌ها بر حسب شرایط مکانی و زمانی و همچنین سطح پیشرفت و فرهنگ یک جامعه دارای درجات متفاوتی از تاب‌آوری هستند، تأکید دارد. همچنین تاب‌آوری از فردی به فرد دیگر بر حسب شخصیت، منابع در دسترس و زمینه محیطی، عوامل اجتماعی و اقتصادی

می‌دهد، بلکه دیدگاه تاب‌آوری اجتماعی حاکی از آن است که فجایع ممکن است به عنوان فرصت‌هایی در انجام کارهای جدید برای نوآوری و توسعه درک شوند. تاب آور بودن یک سیستم؛ به معنی مقابله با بحران‌های آتی به واسطه یادگیری از طریق متحمل هراس و پریشان شدن در مورد آن است که کدام اقدامات در زمینه عدم قطعیت‌ها کمتر یا بیشتر مناسب هستند. بنابراین پرسش کلیدی تاب‌آوری اجتماعی که اوبریست و همکاران (۲۰۱۰) اشاره کرده اند «آن است که چه چیزی با شایستگی بیشتری ظرفیت‌های افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها به منظور مقابله با تهدیدات را تقویت می‌کند». چهار معیار به منظور فهم مفهوم این ظرفیت‌ها بیان شده است. اولین معیار به واکنش مردم به خطرات و تمایز بین فعالیت‌های قبل و بعد از بلایا پرداخته است. دومین معیار؛ دامنه زمانی، افق زمانی را مشخص کرده است و یک پیوستگی بین مأموریت‌ها بر اساس برنامه‌های کوتاه مدت و فوری، پروژه‌های مربوطه و محاسبه مأموریت‌ها بر اساس برنامه‌های بلندمدت منطقی را ارائه داده است. سومین معیار به درجه‌ای از تغییرات بوسیله ساختارهای اجتماعی اشاره دارد و چهارمین معیار با نتایج سه ظرفیت (مقابله‌ای، انطباقی و دگرگونی) ارتباط دارد. با توجه به مباحث مطرح شده در این تحقیق، ما سه بعد مهم تاب‌آوری اجتماعی را شناسایی کردیم؛ ۱. توانایی‌های بازیگران اجتماعی به منظور مقابله و غلبه بر تمامی دشواری‌های بدیهی، ۲. ظرفیت و توانایی آنها برای یادگیری از تجارب گذشته و تعدیل آنها به منظور تحت فشار گذاشتن چالش‌های جدید در آینده (ظرفیت‌های انطباقی) و ۳. توانایی آنها در ایجاد نهادهایی که رفاه فردی و نیرومندی اجتماعی پایدار در برابر بحران‌های حال و آینده (ظرفیت‌های دگرگون‌شونده) را پرورش می‌دهند را مورد ملاحظه قرار داده‌اند. این بررسی نشان می‌دهد، مفهوم تاب‌آوری اجتماعی چندین ویژگی مشترک را با رویکرد آسیب‌پذیری اجتماعی و معیشت به اشتراک می‌گذارد. با این حال تفاوت‌های مهمی وجود دارد. ما استدلال می‌کنیم که مفهوم تاب‌آوری اجتماعی به چشم اندازه‌های جدیدی برای درک گروه‌های آسیب‌پذیر تحت شرایط فشار و تنش یاری می‌رساند. در وهله اول این مفهوم، عدم قطعیت، تغییر و بحران را به جای موارد استثنایی، به عنوان مواردی عادی مورد توجه قرار می‌دهد. جهان به عنوان

سازگار به سختی بوسیله تغییرات در کارکردهای خود یا بوسیله کشف راه‌های جدید در بهره‌برداری از منابع خود را با شرایط جدید وفق می‌دهد. بحث دیدگاه این است که جامعه‌ای تاب‌آور است که در صورت وقوع سوانح طبیعی و تغییرات چشمگیر بدون سقوط یا مقاومت در برابر سوانح بتواند با شرایط جدید سازگاری پیدا کند و ادامه حیات دهد. تعاریف همچنین می‌توانند از نظر ماهیت پیش‌بینی تعاریف طبقه‌بندی شود. بر اساس این تعاریف می‌توان پیش‌بینی کرد که چگونه یک جامعه بخوبی قادر خواهد بود در مقایسه با سایر جوامع در برابر سوانح سازماندهی شود. بررسی مطالعات مختلف نشان داده است که اصول اصلی مفاهیم تاب‌آوری عبارتند از: مقاومت و ایستادگی، سازگاری و دگرگونی. همچنین مفاهیم «نگه داشت»، «بازیابی» و «تلاش برای تعادل» نکات کلیدی در شناخت معانی و چارچوب‌های مختلف تاب‌آوری هستند. با توجه به زمینه بحث شده، در این تحقیق تاب‌آوری جامعه در مقابل بلایا، بعنوان «ظرفیت یا توانایی جامعه برای پیش‌بینی، آمادگی، پاسخ و بازیابی سریع از اثرات بلایا است: یعنی نه تنها اندازه‌گیری سرعت بازیابی جامعه از اثرات فاجعه، بلکه توانایی آموزش، مواجهه و سازگاری با بلا نیز است، بنابراین، جامعه تاب‌آور، باید به گونه‌ای سازماندهی شود که اثرات فاجعه در آن اندک بوده و فرایند بازیابی سریع باشد» تعریف شده است.

همچنین تمامی تعاریف تاب‌آوری اجتماعی مربوط به ماهیت اجتماعی، افراد، سازمان‌ها یا جوامع و توانایی یا قابلیت‌های آنها در تحمل، جذب و انطباق با انواع تهدیدات زیست محیطی و اجتماعی می‌باشد. تاب‌آوری اجتماعی از ظرفیت و توانایی خاصی در افراد و گروه‌ها، خانواده و جوامع صحبت می‌کند که عمدتاً یادگیری و سازگاری در تغییرات تحمیل شده، و همچنین قدرت تطبیق با شرایط و مقتضیات را در بر خواهد داشت؛ این ساده‌ترین تعریف از تاب‌آوری اجتماعی است. احیای روابط عاطفی، توسعه سازگاری، قدرت مبتنی بر انعطاف، سرمایه و سازندگی اجتماعی را تقویت می‌کند و همزمان موجب و دستاورد تاب‌آوری است. تاب‌آوری اجتماعی نه تنها بازیگران اجتماعی یا قابلیت موجودیت‌ها برای حفاظت از خود در برابر تمامی انواع تهدیدات و قابلیت‌های جذب‌کنندگی در مواجهه با آشفتگی‌ها و تنش‌ها را مورد توجه قرار



- Abramson, David M, Stehling-Ariza, Tasha, Park, Yoon Soo, Walsh, Lauren, & Culp, Derrin. (2010). Measuring individual disaster recovery: A socioecological framework. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 4(S1), S46-S54. <https://academiccommons.columbia.edu/catalog/ac:160358>
- Adger, W Neil. (2000). Social and ecological resilience: are they related? *Progress in human geography*, 24(3), 347-364. <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1191/030913200701540465>
- Ahern, Jack. (2011). From fail-safe to safe-to-fail: Sustainability and resilience in the new urban world. *Landscape and Urban Planning*, 100(4), 341-343. https://scholarworks.umass.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1008&context=larp_grad_research
- Aldrich, Daniel P. (2012). *Building resilience: Social capital in post-disaster recovery*: University of Chicago Press. <http://www.press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/B/bo13601684.html>
- Aldrich, Daniel P, & Meyer, Michelle A. (2015). Social capital and community resilience. *American Behavioral Scientist*, 59(2), 254-269. <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0002764214550299>
- Baker, Judy L. (2012). Climate change, disaster risk, and the urban poor: cities building resilience for a changing world: World Bank Publications. <http://siteresources.worldbank.org/~/Resources/336387-1306291319853/Summary.pdf>
- Basher, Reid, Hayward, Bronwyn, Lavell, Allan, Martinelli, Alberto, Perez, Omar, Pulwarty, Roger, Cutter, Susan. (2015). Disaster risks research and assessment to promote risk reduction and management. https://www.preventionweb.net/files/43219_sciencefordrrsummaryforpolicymakers.pdf
- Bastaminia, A, Rezaei, MR, Tazesh, Y, & Dastoorpoor, M. (2016). Evaluation of urban resilience to earthquake a case study: Dehdasht city. *International Journal of Ecology & Development™*, 31(4), 46-56. <http://www.ceser.in/ceserp/index.php/ijed/article/view/4649>
- Bastaminia, Amir, Hashemi, Farzaneh Bani, Alizadeh, Mohammad, & Dastoorpoor, Maryam (2016). Resilience and Mental Health: A Study among Students at the State University of Yasuj City. <http://www.sciencedomain.org/abstract/16417>
- Bastaminia, Amir, Rezaei, Mohammad R, & Saraei, Mohammad H. (2017). Evaluating the components of social and economic resilience: After two large earthquake disasters Rudbar 1990 and Bam 2003. *Jamba: Journal of Disaster Risk Studies*, 9(1), 1-12. <https://jamba.org.za/index.php/jamba/article/view/368/659>
- Bastaminia, Amir, Rezaei, Mohammad Reza, & Dastoorpoor, Maryam. (2017). Identification and evaluation of the components and factors affecting social and economic resilience in city of Rudbar, Iran. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 22, 269-280. <https://www.sciencedirect.com/journal/international-journal-of-disaster-risk-reduction/vol/22>
- Bastaminia A, Safaeepour M, Tazesh Y, Rezaei MR, Saraei MH, Dastoorpoor M. (2018). Assessing the capabilities of resilience against earthquake in the city of Yasuj, Iran. *Environmental Hazards*, 1-21. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/17477891.2018.1456397>
- Becker, Per. (2014). Sustainability science: managing risk and resilience for sustainable development: Newnes. [https://scholar.google.com/scholar?q=Becker,+Per.+\(2014\)](https://scholar.google.com/scholar?q=Becker,+Per.+(2014))

عرصه تغییرات دائمی تصور می‌شود. در نتیجه تاب‌آوری اجتماعی به جای یک وضعیت معین یا ویژگی‌های یک نهاد و موجودیت اجتماعی، به عنوان یک فرآیند پویا درک می‌شود. دوم آنکه مطالعه تاب‌آوری اجتماعی بر محاط شدن بازیگران اجتماعی در زمان و مکان زیست‌محیطی و در محیط اجتماعی و نهادی خاص خودشان تأکید می‌کند. به این ترتیب، این یک مفهوم عقلانی است تا یک مفهوم ذاتی. سوم آنکه یادگیری اجتماعی، تصمیم‌گیری مشارکتی و فرآیندهای تحول جمعی به عنوان جنبه‌های اصلی و محوری تاب‌آوری اجتماعی شناخته می‌شوند. تحولات اجتماعی هرگز قطعی نیستند بلکه امکان بحث در مورد آنها وجود دارد و علیرغم این حقیقت که گفتمان‌های هژمونیک و نوآوری‌های فنی ممکن است نقش مهمی را در تعریف جهت‌گیری‌های بالقوه برای توسعه ایفا کنند. به‌طور خلاصه تاب‌آوری اجتماعی نه تنها یک مفهوم پویا و رابطه‌ای است بلکه یک نوع درک عمیق سیاسی است. به این ترتیب جستجو برای رویکردهای جدید به ایجاد و ساخت تاب‌آوری به‌ویژه با توجه به معیشت مردم فقیر و به حاشیه رانده شده نشان داده است که این مفهوم صرفاً یک پرسش فنی نبوده است بلکه یک نوع رقابتی سیاسی می‌باشد.

منابع

- رفعیان، مجتبی؛ رضایی، محمدرضا؛ عسگری، علی؛ پرهیزکار، اکبر و شایان، سیوش (۱۳۹۰). تبیین مفهومی تاب‌آوری و شاخص‌سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع محور (CBDM)، جلد ۱۵ شماره ۴ صفحات ۱۹-۴۱ <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=170456>
- سلمانی، محمد؛ بدری، علی؛ مطوف، شریف و کاظمی، نسرین (۱۳۹۴). ارزیابی رویکرد تاب‌آوری جامعه در برابر مخاطرات طبیعی: شهرستان دماوند، مجله مدیریت مخاطرات محیطی، دوره ۲، شماره ۴، ۳۹۳-۴۰۹. https://journals.ut.ac.ir/article_58266_0.html
- بدری، سید علی؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی؛ عسگری، علی؛ قدیری معصوم، مجتبی و سلمانی، محمد، (۱۳۹۲). نقش مدیریت محلی در ارتقای تاب‌آوری مکانی در برابر بلایای طبیعی با تأکید بر سیلاب مطالعه‌ی موردی: دو حوضه‌ی چشمه کیله‌ی شهرستان تنکابن و سردآبرود کلاردشت. فصلنامه مدیریت بحران، شماره ۳، ۴۸-۳۷. <http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=212879>
- نوجوان، مهدی؛ صالحی، اسماعیل؛ امیدوار، بابک و فریادی، شهرزاد (۱۳۹۵). تحلیل رویکرد نظری مدیریت سوانح طبیعی در ایران با استفاده از مفهوم فراتحلیل، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۹، شماره ۱، ۱۵-۱ http://jest.srbiau.ac.ir/article_9657_0.html



- Eraydin, Ayda, & Tasan-Kok, Tuna. (2012). Resilience thinking in urban planning (Vol. 106): Springer Science & Business Media. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-94-007-5476-8_2
- Ernstson, Henrik. (2008). The social production of ecosystem services: lessons from urban resilience research. Ernstson, H, In Rhizomia: Actors, Networks and Resilience in Urban Landscapes, PhD Thesis, Stockholm University. https://www.researchgate.net/profile/Henrik_Ernstson
- Ernstson, Henrik, van der Leeuw, Sander E, Redman, Charles L, Meffert, Douglas J, Davis, George, Alfsen, Christine, & Elmqvist, Thomas. (2010). Urban transitions: on urban resilience and human-dominated ecosystems. *Ambio*, 39(8), 531-545. <http://www.bioone.org/doi/abs/10.1007/>
- Etzold, Benjamin, Jülich, Sebastian, Keck, Markus, Sakdapolrak, Patrick, Schmitt, Thomas, & Zimmer, Anna. (2012). Doing institutions. A dialectic reading of institutions and social practices and its relevance for development geography. *Erdkunde*, 185-195. <http://www.jstor.org/stable/417590>. <http://onlineibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1475-5661.2010.00420.x/full>
- Feuer, Alan. (2012). Occupy Sandy: A movement moves to relief. *The New York Times*, 9.
- Frankenberger, T., Mueller, M., Spangler, T. & Alexander, S. 2013. Community resilience: conceptual framework and measurement feed the future learning Agenda. Rockville, MD: Westat, 1. <https://www.agrilinks.org/library/community-resilience-conceptual-framework-and-measurement-feed-future-learning-agenda>
- Furedi, Frank. (2007). The changing meaning of disaster. *Area*, 39(4), 482-489. <http://onlineibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1475-4762.2007.00764.x/full>
- Gallopín, G. C. 2006. Linkages between vulnerability, resilience, and adaptive capacity. *Global environmental change*, 16, 293-303. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378006000409>
- Garschagen, Matthias, Renaud, Fabrice G, & Birkmann, Jörn. (2011). Dynamic resilience of peri-urban agriculturalists in the Mekong Delta under pressures of socio-economic transformation and climate change *Environmental change and agricultural sustainability in the Mekong Delta* (pp. 141-163): Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-94-007-0934-8_9
- Gilpin, Dawn R, & Murphy, Priscilla J. (2008). *Crisis management in a complex world*: Oxford University Press. https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=_7rW6w7duDUC&oi=fnd&pg=PR7&dq
- Glavovic, Bruce, Scheyvens, Regina, & Overton, John. (2003). *Waves of Adversity, Layers of Resilience. Exploring the sustainable livelihoods approach*. In, D, J. Overton and B. Nowak (Eds) *Contesting development: Pathways to better practice*. https://s3.amazonaws.com/academia.edu/documents/51623871/Glavovic_etal_03_Waves_of_adversity_final.pdf
- Greiner, Clemens, & Sakdapolrak, Patrick. (2013). Rural-urban migration, agrarian change, and the environment in Kenya: a critical review of the literature. *Population and Environment*, 34(4), 524-553. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11111-012-0178-0>
- Hall, Peter A, & Lamont, Michèle. (2013). Social resilience in the Biles, James J, & Cobos, Daniel. (2007). Natural disasters and their impact in latin america *International Perspectives on Natural Disasters: Occurrence, Mitigation, and Consequences* (pp. 281-302): Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007%2F978-1-4020-2851-9_15
- Bodin, Örjan, Crona, Beatrice, & Ernstson, Henrik. (2006). Social networks in natural resource management: What is there to learn from a structural perspective? *Ecology and Society*, 11(2). file:///C:/Users/amir/Downloads/ES-2006-1808.pdf
- BOHLE, HANS-GEORG. (2005). Soziales oder unsoziales Kapital? Das Sozialkapital-Konzept in der Geographischen Verwundbarkeitsforschung. *Geographische Zeitschrift*, 65-81. http://www.jstor.org/stable/27819042?seq=1#page_scan_tab_contents
- Bonanno, George A, Brewin, Chris R, Kaniasty, Krzysztof, & La Greca, Annette M. (2010). Weighing the costs of disaster consequences, risks, and resilience in individuals, families, and communities. *Psychological Science in the Public Interest*, 11(1), 1-49. <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1529100610387086>
- Bourdieu, Pierre. (1987). What makes a social class? On the theoretical and practical existence of groups. *Berkeley journal of sociology*, 32, 1-17. http://www.jstor.org/stable/41035356?seq=1#page_scan_tab_contents
- Brand, Fridolin, & Jax, Kurt. (2007). Focusing the meaning (s) of resilience: resilience as a descriptive concept and a boundary object. *Ecology and Society*, 12(1). <https://www.ecologyandsociety.org/vol12/iss1/art23/main.html>
- Cannon, Terry. (2008). Reducing people's vulnerability to natural hazards communities and resilience: Research paper/UNU-WIDER. <https://www.econstor.eu/handle/10419/45089>
- Cannon, Terry, & Müller-Mahn, Detlef. (2010). Vulnerability, resilience and development discourses in context of climate change. *Natural Hazards*, 55(3), 621-635. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11069-010-9499-4>
- Carpenter, Stephen R, Arrow, Kenneth J, Barrett, Scott, Biggs, Reinette, Brock, William A, Crépin, Anne-Sophie, . . . Kautsky, Nils. (2012). General resilience to cope with extreme events. *Sustainability*, 4(12), 3248-3259. <http://www.mdpi.com/2071-1050/4/12/3248/htm>
- Chamlee-Wright, Emily, & Storr, Virgil Henry. (2009). Club goods and post-disaster community return. *Rationality and Society*, 21(4), 429-458. <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1043463109337097>
- Christopherson, Susan, Michie, Jonathan, & Tyler, Peter. (2010). Regional resilience: theoretical and empirical perspectives. *Cambridge journal of regions, Economy and Society*, 3(1), 3-10. <https://academic.oup.com/cjres/article/3/1/3/340777>
- Coaffee, Jon, & Lee, Peter. (2016). *Urban Resilience: Planning for Risk, Crisis and Uncertainty*: Palgrave Macmillan. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=FPU6DAAAQBAJ&oi=fnd&pg>
- Cote, Muriel, & Nightingale, Andrea J. (2012). Resilience thinking meets social theory situating social change in socio-ecological systems (SES) research. *Progress in Human Geography*, 36(4), 475-489. <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0309132511425708>
- Dickson, Eric, Baker, Judy L, & Hoornweg, Daniel. (2012). *Urban risk assessments: understanding disaster and climate risk in cities*: World Bank Publications. https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=ux5_eap5etC&oi=fnd&pg=PR5&dq=Dickson



- S0165783607001294
- Mayunga, Joseph S. (2007). Understanding and applying the concept of community disaster resilience: a capital-based approach. *Summer academy for social vulnerability and resilience building*, 1, 16. https://www.ucursos.cl/usuario/3b514b53bcb4025aaf9a6781047e4a66/mi_blog/r/11._Joseph_S._Mayunga.pdf
- Moore, Michele-Lee, & Westley, Frances. (2011). Surmountable chasms: networks and social innovation for resilient systems. *Ecology and Society*, 16(1), 5. <https://www.ecologyandsociety.org/vol16/iss1/art5/main.html>
- Müller-Mahn, Detlef, Everts, Jonathan, & Doevenspeck, Martin. (2013). Making sense of the spatial dimensions of risk. *The Spatial Dimensions of Risk. How Geography shapes the Emergence of Risks*. London/New York, 202-2017. https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt=0%2C5&q=Müller-Mahn
- Mustafa, Daanish. (2005). The production of an urban hazardscape in Pakistan: Modernity, vulnerability, and the range of choice. *Annals of the Association of American Geographers*, 95(3), 566-586. <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1467-8306.2005.00475.x/full>
- Nelson, Donald R, Adger, W Neil, & Brown, Katrina. (2007). Adaptation to environmental change: contributions of a resilience framework. *Annu. Rev. Environ. Resour.*, 32, 395-419. <https://www.annualreviews.org/doi/full/10.1146/annurev.energy.32.051807.090348>
- Olshansky, Robert B. (2006). Planning after hurricane Katrina. *Journal of the American Planning Association*, 72(2), 147-153. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/0194436060897>
- Olwig, Mette F. (2012). Multi-sited resilience: The mutual construction of "local" and "global" understandings and practices of adaptation and innovation. *Applied Geography*, 33, 112-118. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0143622811001846>
- Pantell, Matthew, Rehkopf, David, Jutte, Douglas, Syme, S Leonard, Balmes, John, & Adler, Nancy. (2013). Social isolation: a predictor of mortality comparable to traditional clinical risk factors. *American Journal of Public Health*, 103(11), 2056-2062. <http://ajph.aphapublications.org/doi/abs/10.2105/AJPH.2013.301261>
- Paton, Douglas. (2007). Preparing for natural hazards: the role of community trust. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 16(3), 370-379. <http://www.emeraldinsight.com/doi/abs/10.1108/09653560710758323>
- Paton, Douglas. (2013). Community Resilience in Christchurch: Adaptive responses and capacities during earthquake recovery. <http://ecite.utas.edu.au/89172>
- Paton, Douglas, & Irons, Melanie. (2016). Communication, sense of community, and disaster recovery: a Facebook case study. *Frontiers in Communication*, 1, 4. <https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fcomm.2016.00004/full>
- Pelling, Mark. (2003). The vulnerability of cities: natural disasters and social resilience: Earthscan. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=cjjBdCzB-COC&oi=fnd&pg=PR9&dq=Pelling>
- Pelling, Mark. (2010). *Adaptation to climate change: from resilience to transformation*: Routledge. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=g6Z9AgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Pelling>
- neoliberal era: Cambridge University Press. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=hzchAwAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR7&dq=Hal>
- Holling, Crawford S. (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual review of ecology and systematics*, 1-23. <https://www.annualreviews.org/doi/pdf/10.1146/annurev.es.04.110173.000245>
- Hutter, Gerard. (2013). Organizing social resilience in the context of natural hazards: a research note. *Natural hazards*, 67(1), 47-60. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11069-010-9705-4>
- Jabareen, Yosef. (2013). Planning the resilient city: Concepts and strategies for coping with climate change and environmental risk. *Cities*, 31, 220-229. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0264275112000832>
- Jones, N, & Clark, JRA. (2013). Social capital and climate change mitigation in coastal areas: A review of current debates and identification of future research directions. *Ocean & coastal management*, 80, 12-19. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0964569113000768>
- Keck, Markus, & Sakdapolrak, Patrick. (2013). What is social resilience? Lessons learned and ways forward. *Erdkunde*, 5-19. <http://www.jstor.org/stable/23595352>
- Keeley, B. (2007). *Human Capital: How What You Know Can Shape Your Life*: Danvers, MA: OECD: Organisation for Economic Co-Operation and Development. https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt=0%2C5&q=Keeley%2C+B.+%282007%29.+Human
- Kim-Cohen, Julia, & Turkewitz, Rebecca. (2012). Resilience and measured gene-environment interactions. *Development and psychopathology*, 24(04), 1297-1306. <https://www.cambridge.org/core/journals/development-and-psychopathology/article/resilience>
- King, David. (2008). Reducing hazard vulnerability through local government engagement and action. *Natural hazards*, 47(3), 497-508. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11069-008-9235-5>
- Klinenberg, Eric. (2015). *Heat wave: A social autopsy of disaster in Chicago*: University of Chicago Press. https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt=0%2C5&q=Klinenberg%2C+Eric.+%282015%29
- Kuhlicke, Christian. (2013). Resilience: a capacity and a myth: findings from an in-depth case study in disaster management research. *Natural hazards*, 67(1), 61-76. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11069-010-9646-y>
- Langridge, Ruth, Christian-Smith, Juliet, & Lohse, Kathleen. (2006). Access and resilience: analyzing the construction of social resilience to the threat of water scarcity. *Ecology and Society*, 11(2). <http://www.jstor.org/stable/26266027>
- Larsen, Rasmus Klocker, Calgaro, Emma, & Thomalla, Frank. (2011). Governing resilience building in Thailand's tourism-dependent coastal communities: Conceptualising stakeholder agency in social-ecological systems. *Global Environmental Change*, 21(2), 481-491. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378010001330>
- Lorenz, Daniel F. (2013). The diversity of resilience: contributions from a social science perspective. *Natural Hazards*, 67(1), 7-24. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11069-010-9654-y>
- Marshall, Nadine A. (2007). Can policy perception influence social resilience to policy change? *Fisheries*, 86(2), 216-227. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0165783607001294>



- Applications. Toronto, Canada. Institute for Environmental Studies, University of Toronto. <http://www.ilankelman.org/miscellany/Timmerman1981.pdf>
- Truman, Benedict I, Smith, KC, Roy, K, Chen, Z, Moonesinghe, R, Zhu, J, . . . Prevention. (2011). Rationale for regular reporting on health disparities and inequalities-United States. *MMWR Surveill Summ*, 60(Suppl 01), 3-10. <https://www.cdc.gov/mmWR/preview/mmwrhtml/su6001a2.htm>
- Turner, Billie L. (2010). Vulnerability and resilience: coalescing or paralleling approaches for sustainability science? *Global Environmental Change*, 20(4), 570-576. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378010000622>
- Vallance, Suzanne. (2015). Disaster recovery as participation: lessons from the Shaky Isles. *Natural Hazards*, 75(2), 1287-1301. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11069-014-1361-7>
- Varghese, Jeji, Krogman, Naomi T, Beckley, Thomas M, & Nadeau, Solange. (2006). Critical analysis of the relationship between local ownership and community resiliency. *Rural Sociology*, 71(3), 505-527. <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1526/003601106778070653/full>
- Venton, CC, Sidenburg, J, & Faleiro, J. (2010). Investing in Communities: The benefits and costs of building resilience for food security in Malawi. <http://agris.fao.org/agris-search/search.do?recordID=GB2013201861>
- Vogel, Coleen, Moser, Susanne C, Kaspersen, Roger E, & Dabelko, Geoffrey D. (2007). Linking vulnerability, adaptation, and resilience science to practice: Pathways, players, and partnerships. *Global Environmental Change*, 17(3), 349-364. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378007000374>
- Voss, Martin. (2008). The vulnerable can't speak. An integrative vulnerability approach to disaster and climate change research. *Behemoth A Journal on Civilisation*, 1(3), 39-56. <https://ojs.ub.uni-freiburg.de/behemoth/article/view/730>
- Walker, B, Salt, D, & Reid, W. (2006). In *Resilience Thinking: Sustaining People and Ecosystems in a Changing World*: Washington DC: Island Press. <https://islandpress.org/books/resilience-thinking>
- Wikstrom, A. 2013. The Challenge of Change: Planning for social urban resilience.: An analysis of contemporary planning aims and practices. <http://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A636112&dswid=559>
- Wolfe, David A. (2010). The strategic management of core cities: Path dependence and economic adjustment in resilient regions. *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 3(1), 139-152. <https://academic.oup.com/cjres/article-abstract/3/1/139/339640>
- Pelling, Mark, & High, Chris. (2005). Understanding adaptation: what can social capital offer assessments of adaptive capacity? *Global Environmental Change*, 15(4), 308-319. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378005000154>
- Phillips, Brenda, Thomas, Deborah SK, Fothergill, Alice, & Blinn-Pike, Lynn. (2010). *Social vulnerability to disasters*: CRC Press Boca Raton, FL. <http://agris.fao.org/agris-search/search.do?recordID=XF20>
- Purdue, Derrick. (2001). Neighbourhood governance: Leadership, trust and social capital. *Urban Studies*, 38(12), 2211-2224. <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1080/00420980120087135>
- Rezaei, MR, Bastaminia, A, Saraei, MH. (2016). Evaluation of dimensions, approaches and concepts of resilience in urban societies with an emphasis on natural disasters. *Journal of Fundamental and Applied Sciences*, 8(3), 1630-1649. <https://www.ajol.info/index.php/jfas/article/view/142617>
- Sakdapolrak, Patrick. (2010). Orte und Räume der health vulnerability: Bourdieus Theorie der Praxis für die Analyse von Krankheit und Gesundheit in megaurbanen Slums von Chennai, Südindien: Verlag für Entwicklungspolitik. <https://scholar.google.com/citations?user=HZE0Vb0AAAAJ&hl=en>
- Sakdapolrak, Patrick, Naruchaikusol, Sopon, Ober, Kayly, Peth, Simon, Porst, Luise, Rockenbauch, Till, & Tolo, Vera. (2016). Migration in a changing climate. Towards a translocal social resilience approach. *DIE ERDE—Journal of the Geographical Society of Berlin*, 147(2), 81-94. <http://www.die-erde.org/index.php/die-erde/article/view/286>
- Scheffran, Jürgen, Marmer, Elina, & Sow, Papa. (2012). Migration as a contribution to resilience and innovation in climate adaptation: Social networks and co-development in Northwest Africa. *Applied Geography*, 33, 119-127. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S01436228>
- Schwarz, Anne-Maree, Béné, Christophe, Bennett, Gregory, Boso, Delvene, Hilly, Zeld, Paul, Chris, . . . Andrew, Neil. (2011). Vulnerability and resilience of remote rural communities to shocks and global changes: Empirical analysis from Solomon Islands. *Global Environmental Change*, 21(3), 1128-1140. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378011000719>
- Simmie, James, & Martin, Ron. (2010). The economic resilience of regions: towards an evolutionary approach. *Cambridge journal of regions, Economy and Society*, 3(1), 27-43.
- Tierney, Kathleen, & Oliver-Smith, Anthony. (2012). *Social Dimensions of Disaster Recovery*. *International Journal of Emergencies & Disasters*, 30(2). <http://www.ijmed.org/articles/597/>
- Timmerman, Peter. (1981). *Vulnerability resilience and collapse of society. A Review of Models and Possible Climatic*